

احوال و آثار
صفی الدین اُرموی
موسیقی دان بزرگ قرن ہفتم ھ. ق

مؤلفان:

امین نعیمائی عالی

و

ایرج نعیمائی عالی



انتشارات فرهنگستان هنر

زمستان ۱۳۸۳

نعمایی عالی، امین، ۱۳۴۲ -
احوال و آثار صفی‌الدین ارموی موسیقی‌دان بزرگ قرن هفتم
ه.ق / مؤلفان امین نعمایی عالی، ایرج نعمایی عالی - تهران:
فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳.
۳۶۸ ص.

ISBN 964-95768-5-1

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص ۳۵۹-۳۶۸

۱. صفی‌الدین ارموی، عبدالمؤمن بن یوسف، ۶۱۳ - ۶۹۳ ه.ق.
سرگذشتنامه ۲، موسیقی‌دانان ایرانی - سرگذشتنامه ۳، موسیقی
ایرانی - قرن ۷ ه.ق. الف. نعمایی عالی، ایرج، ۱۳۳۸ -
ب. فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران. ج. عنوان.
۷۸۹/۰۹۲ ML۳۴۴/۲/ ۷ ص ۷
۱۳۸۳

۳۴۵۰-۸۳م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات فرهنگستان هنر

احوال و آثار صفی‌الدین ارموی

موسیقی‌دان بزرگ قرن هفتم ه.ق

مؤلفان: امین نعمایی عالی، ایرج نعمایی عالی

صفحه‌آرایی: حروفچینی راه شهاب

طراح جلد: رضا عابدینی

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۳

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: ترمه

چاپ: رامین

ISBN 964-95768-5-1

شابک: ۹۶۴-۹۵۷۶۸-۵-۱

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، انتهای خیابان فلسطین جنوبی، کوچه لقمان‌الدوله ادهم، پست‌بوذرجمهر، پلاک ۲۳،

فرهنگستان هنر - تلفن: ۶۹۵۱۶۵۰-۲ - صندوق پستی: ۱۳۷۷-۱۳۱۴۵ www.honar.ac.ir

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه:	۹
پیشگفتار: عصر ارموی	۱۳
بخش اول: مروری بر زندگی ارموی از ولادت تا وفات	۱۹
فصل اول: آشنایی اجمالی با ارموی	۲۱
۱. ادوار زندگی ارموی	۲۲
۲. نام ارموی	۲۳
۳. لقب ارموی	۲۳
۴. کنیه ارموی	۲۴
۵. نام پدر و جدّ ارموی	۲۵
۶. خاندان و نسب ارموی	۲۶
۷. زادگاه و نسبت ارموی	۲۷
۸. ملیت و اصالت ارموی	۲۸
۹. زمان ولادت ارموی	۳۰
۱۰. مذهب ارموی	۳۱
۱۱. دوران کودکی ارموی	۳۲
فصل دوم: زندگی ارموی در عصر مستنصر (پرورش و تربیت ارموی)	۳۵
۱. دوران نوجوانی و جوانی ارموی	۳۶
۲. آشنایی با مدرسه مستنصریه	۳۷
۳. تحصیل در مدرسه مستنصریه	۴۷

۵۷	۴. استادان ارموی
۶۵	فصل سوم: زندگی ارموی در عصر مستعصم
۶۶	مقدمه:
۶۷	۱. چگونگی راهیابی و نفوذ ارموی در دستگاه مستعصم
۶۸	۲. زندگی ارموی در کاروانسرای ابن یثار
۶۹	۳. مشاغل ارموی در عصر مستعصم
۷۰	۴. کتابت قرآن
۷۱	۵. ارموی مفتی خلیفه
۷۲	۶. ارموی کلیددار کتابخانه مستعصم
۷۵	۷. ملازمت ارموی با خلیفه عباسی
۷۶	۸. ارموی معلم فرزندان خلیفه
۷۶	۹. تألیف رساله ادوار
۷۸	۱۰. پایان خدمت و ملازمت خلیفه
۸۱	فصل چهارم: ارموی در واقعه سقوط بغداد
۹۳	فصل پنجم: زندگی ارموی در عصر خاندان جوینی
۹۴	۱. ارموی و خاندان جوینی
۹۵	۲. حکومت خاندان جوینی از آغاز تا پایان
۹۹	۳. دیوان انشای بغداد و پیوستن ارموی به عظاملک جوینی
۱۰۱	۴. پرداختن به خوش‌نویسی
۱۰۲	۵. سفر ارموی به دمشق
۱۰۲	۶. سفر ارموی به تبریز
۱۰۴	۷. ارموی و شرف‌الدین هارون
۱۰۶	۸. ارموی و بهاء‌الدین محمد
۱۰۷	۹. سفر ارموی به اصفهان
۱۰۸	۱۰. نظارت بر اوقاف عراق
۱۱۱	فصل ششم: ارموی پس از بر افتادن خاندان جوینی تا وفات

فصل هفتم: شخصیت ارموی	۱۱۹
۱. اخلاق و سیمای ارموی	۱۲۰
۲. ذکاوت، تیزهوشی و حلم ارموی	۱۲۲
۳. جسارت و شجاعت ارموی	۱۲۴
۴. روان‌شناسی، مردم‌شناسی، موقعیت‌شناسی و آداب معاشرت	۱۲۴
۵. نقش ارموی در حفاظت و در امان ماندن بخشی از بغداد	۱۲۵
۶. وضعیت مالی و ثروت ارموی	۱۲۶
۷. اسرافگری و گشاده‌دستی	۱۲۷
۸. زندگی تجملاتی و اشرافی	۱۲۸
۹. غنا و بی‌نیازی ارموی	۱۲۹
۱۰. ارتباطات اجتماعی و حرفه‌ای	۱۲۹
۱۱. داشتن کاتب و منشی شخصی	۱۳۰
بخش دوم: ارموی و هنر موسیقی	۱۳۳
مقدمه:	۱۳۴
فصل اول: نقش و جایگاه ارموی در هنر موسیقی	۱۳۵
فصل دوم: تألیفات ارموی در علم موسیقی	۱۵۱
فصل سوم: ارزش و اهمیت تألیفات ارموی	۱۵۹
فصل چهارم: آشنایی با کتاب «الادوار فی الموسیقی»	۱۶۵
فصل پنجم: آشنایی با نسخه‌های ادوار	۱۷۵
فصل ششم: ترجمه‌های ادوار	۱۸۵
فصل هفتم: آشنایی با رساله شرفیه	۱۹۵
فصل هشتم: آشنایی با نسخه‌های شرفیه	۲۰۱
فصل نهم: شرح نویسی بر آثار ارموی	۲۰۷
فصل دهم: مختصری در نقش ارموی در تحول و تکامل موسیقی	۲۲۷
فصل یازدهم: تکمیل یا اختراع سازها	۲۵۳
فصل دوازدهم: تصنیفات و آهنگ‌های ارموی	۲۶۳

فصل سیزدهم: نفوذ، تأثیر آراء و مرجعیت ارموی	۲۶۷
فصل چهاردهم: تأثیر ارموی بر موسیقی نویسان غیر معروف	۲۷۷
فصل پانزدهم: نقد آراء و نظریات ارموی	۲۸۹
فصل شانزدهم: تکمیل آرای ارموی	۳۰۵
فصل هفدهم: شاگردان ارموی در موسیقی	۳۱۳
بخش سوم: ارموی و هنر خوش‌نویسی	۳۱۹
فصل اول: ارموی خوش‌نویس بزرگ	۳۲۱
فصل دوم: آثار خوش‌نویسی ارموی	۳۲۹
فصل سوم: شاگردان ارموی در خوش‌نویسی	۳۳۵
ضمیمه: نمونه خطوط صفی‌الدین ارموی، تصاویر رساله شرفیه	۳۴۳
منابع و مآخذ	۳۵۹

مقدمه

تألیف حاضر که با عنوان احوال و آثار صفی‌الدین ارموی، موسیقی دان بزرگ قرن هفتم تدوین شده است احتمالاً اولین اثر مستقل فارسی در موضوع شرح احوال و آثار موسیقی دان بزرگ مسلمان و خوشنویس و ادیب نام‌آور ایرانی، عبدالمؤمن صفی‌الدین ابن یوسف ابن فاخر ارموی است که به بهانه برگزاری همایش جهانی صفی‌الدین ارموی، هنرمند نامی جهان اسلام منتشر می‌گردد.

اگر چه ارموی در میان اهل هنر شناخته شده و مشهور است و در هر نوشته‌ای که به تاریخ و پیشینه موسیقی اسلامی و ایرانی می‌پردازد به ناچار به شخصیت و آرای او نیز اشاره می‌کند، اما علیرغم همه شهرت، اعتبار و جایگاهی که ارموی در هنر موسیقی و خوشنویسی کسب کرده، آنگونه که شایسته است، در منابع موجود به شرح حال او پرداخته نشده و زندگیش در هاله‌ای از ابهام قرار داشته و شخصیت وی همچنان ناشناخته مانده و آگاهی از زوایای مختلف زندگی او بسیار محدود است.

اطلاعات موجود درباره‌ی وی به چند جمله و عبارت تکراری محدود شده و در اغلب آثاری که در موضوع تاریخ هنر موسیقی تألیف شده است، به اجمال و اختصار اشاراتی به احوال، آثار و آرای وی شده است که علاوه بر اختصار و ابهامات بسیار نه تنها به شناخت و معرفی وی کمکی ننموده، بلکه به تحریف شخصیت وی نیز منجر شده است و با همه تشنگی و نیازی که در این عرصه احساس می‌شد، متأسفانه تاکنون اثر مستقل و جامعی که در شأن ارموی بود باشد، و او را آنگونه که بوده معرفی نماید، تدوین و تألیف نشده است.

با عنایت به این مسأله، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران در راستای وظایف و مأموریت‌های خویش تدوین یک اثر مستقل که به معرفی این چهره نام‌آور پردازد را در فهرست طرح‌های پژوهشی خود قرار داده است که همزمان با برگزاری همایش بین‌المللی صفی‌الدین ارموی نتیجه آن را به صورت کتاب منتشر سازد تا زمینه آشنایی بیشتر علاقه‌مندان را به هنر موسیقی و مشاهیر و مفاخر علمی و فرهنگی و این شخصیت فرهیخته و بزرگ ایرانی که حقیقتاً یکی از چهار چهره برجسته موسیقی جهان اسلام است، فراهم سازد.

اثر حاضر در واقع مقدمه‌ای برای ورود به بحث شخصیت و آثار ارموی است که در فرصت نسبتاً محدودی تألیف شده و در شرایط حاضر به همین میزان امکان پرداختن بدان فراهم گردیده است. لذا امید است که در آینده شاهد انجام پژوهش‌های عمیق‌تر و تألیفات جامع‌تری در این موضوع باشیم.

تألیف حاضر در سه بخش تدوین شده است.

در بخش اول، به شرح زندگی و احوال ارموی پرداختیم که خود شامل هفت فصل بوده و وقایع مهم زندگی وی از ولادت تا وفات مورد بررسی قرار گرفته و به موضوعاتی چون نام، کنیه، القاب، خانواده، خاندان، نسبت، مذهب، ادوار مختلف زندگی، تعلیم و تربیت، آموزش و تحصیلات، استادان، فضایل علمی و هنری، مشاغل، مناصب و موقعیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و سایر جلوه‌های شخصیتی او پرداخته شده است.

در بخش دوم این اثر که با عنوان «ارموی و هنر موسیقی»، در هفده فصل تدوین شده است به مباحثی چون نقش و جایگاه ارموی در موسیقی، معرفی تألیفات وی، ارزش و اهمیت علمی آثار او، بحث درباره نسخه‌ها، ترجمه‌ها و شرح‌های رسالات ادوار و شرفیه، نقش وی در تحول و تکامل هنر موسیقی، تکمیل و اختراع سازها، تصنیفات و آهنگ‌های وی، تأثیر و نفوذ آراء و مرجعیت وی در موسیقی، همچنین نقد آراء و نظریات، تکمیل آراء و شاگردانی که وی در هنر موسیقی تربیت کرده پرداخته‌ایم.

در بخش سوم به هنر خوشنویسی ارموی پرداخته‌ایم که شامل سه فصل است. نخست درباره شهرت و جایگاه ارموی در هنر خوشنویسی سخن گفتیم. سپس به آثاری که ارموی در این هنر خلق نموده و یادگارهای خوشنویسی او پرداختیم و در پایان به بحث آموزش خوشنویسی پرداخته و از شاگردان مشهورش در این هنر سخن گفتیم. البته در نظر بود که درباره نکات فنی و تخصصی هنر خوشنویسی او نیز بحث مبسوطی را مطرح نماییم که با توجه به گستردگی مطالب و فرصت محدود آن را به زمانی دیگر موکول نمودیم.

اگر چه سعی در آن بود که در حد توان و امکانات به همه مسائل و موضوعات مرتبط با زندگی و آراء ارموی بپردازیم، و از همه منابع قابل دسترس استفاده نماییم و اثری که شایسته معرفی آن هنرمند نامی باشد تدوین نماییم، با این همه، به علل متعدد این انتظار دور از دسترس و غیرممکن بوده و بطور کامل برآورده نشده است، چون علاوه بر فرصت زمانی محدود، دسترسی به برخی از منابع و اغلب نسخه‌های خطی مستلزم صرف وقت طولانی و حتی انجام پژوهش‌های دیگر بوده که قطعاً چنین انتظاری را نمی‌توان با تألیف یک کتاب عمومی و یا انجام یک طرح پژوهشی برآورده و عملی ساخت.

با عنایت به این مسائل و مشکلات، ممکن است خطایا اشتباهاتی سهوی به نوشته حاضر راه یافته یا به نظر خوانندگان ارجمند این اثر خطور نماید. لذا انتظار می‌رود که اینگونه خطاها را به مؤلفان متذکر شده و ما را از راهنمایی‌ها و ارشادات خود بهره‌مند سازند.

در پایان نگارندگان بر خود فرض می‌دانند که از همه بزرگواران و عزیزانی که در انجام این پژوهش و تألیف کتاب حاضر ما را یاری نموده‌اند صمیمانه تشکر و قدردانی نمایند: نخست از جناب آقای دکتر بهمن نامور مطلق دبیر محترم فرهنگستان هنر که همه امکانات لازم را در اختیار مؤلفان قرار داده و از پشتیبانی مادی و اجرای کار دریغ نفرموده‌اند سپاسگزاریم.

سپس از استاد ارجمند جناب آقای دکتر مجید کیانی که از آغاز تا پایان کار از راهنمایی‌ها و مشورت‌های ارزشمندشان بهره‌مند بودیم، سپاسگزاری نموده و امیداوریم که کماکان بتوانیم از وجودشان بهره‌مند گردیم. همچنین از جناب آقای احمد صدری دبیر محترم گروه موسیقی فرهنگستان هنر که در مراحل مختلف کار از الطاف ایشان بهره‌مند بودیم سپاسگزاریم.

از همکاران ارجمندمان آقایان شفیع نعیمائی، علی نورزاد، محمدرضا تقی‌زاده کردی، هادی نظری منظم، سعید زیوری، رضی نعیمائی و فریدون علییون، که در شناسایی و گردآوری منابع و مآخذ، جمع‌آوری اطلاعات، فیش‌برداری، بررسی نسخه‌های خطی، ترجمه متون، انجام امور رایانه‌ای و جستجو در سایت‌های اینترنت و...، ما را یاری نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌نمائیم.

همچنین از جناب آقای اسماعیلی مدیریت محترم انتشارات فرهنگستان هنر و همکار ارجمندشان آقای شیروانی و دیگر عزیزانی که در ماشین‌نویسی، حروفچینی و صفحه‌آرایی متون تا انتشار آن زحمات فراوانی را متقبل شده‌اند، سپاسگزاری نموده و اجر معنوی، توفیق و سلامت همگان را از خدای بزرگ مسألت می‌نمائیم.

و من الله التوفیق

چهارم دی ماه ۱۳۸۳

امین نعیمائی عالی، ایرج نعیمائی عالی

پیشگفتار: عصر ارموی

عبدالمؤمن صفی الدین ارموی یکی از هنرمندان بنام ایرانی است که در قرن هفتم هجری می‌زیست. عصری که وی در آن پا به عرصه گیتی نهاد، از اعصار مهم تاریخ کشورهای اسلامی است.

از مهم‌ترین وقایع و مسائل آن عصر می‌توان از انقراض خلافت عباسیان، خاتمه یافتن جنگ‌های صلیبی، حمله مغولان به ایران و سایر کشورهای اسلامی، انقراض حکومت اسماعیلیه، اسلام آوردن مغولان، قدرت گرفتن تشیع و رسمیت یافتن آن نام برد که در پی خواهد آمد.

۱. انقراض سلسله عباسیان

این عصر از سویی با خلافت سه خلیفه آخر سلسله عباسیان مقارن است. نخست دوران الناصر لدین الله ابوالعباس احمد، که در سال ۶۲۳ هجری درگذشت. او به واسطه مخالفت‌هایی که با خاندان خوارزمشاهیان داشت و آنان نیز در صدد برانداختن خلافت وی بودند، مغولان را تحریک و ترغیب نمود تا به متصرفات آنها هجوم آورند که نتیجه آن حمله چنگیز در سال ۶۱۶ ه.ق به نواحی شمالی و شرقی ایران بود که از شهر اترار آغاز شد و سپس به سایر شهرهای ماوراءالنهر و خراسان و به تدریج به مناطق غربی‌تر ایران کشیده شد که نتیجه نهایی آن حمله به بغداد و سقوط خلافت عباسیان بود که آن را

ناشی از تمهیدات و زمینه‌چینی‌های او می‌دانند که ناصر دین خدا بدین نحو دین خدا و مسلمانان را به خاک سیاه نشاندد.

پس از وی، خلافت به الطاهر رسید که با فرا رسیدن مرگش، کاری از پیش نبرد. پس از آن، دوران خلافت المستنصر است (۶۲۳-۶۴۰ ه.ق). مهم‌ترین کاری که در عصر وی انجام گردید، ساخت مدرسه مستنصریه است. در عصر وی چند درگیری مختصر بین سپاه خلیفه و مغولان روی داد، ولی مغولان موفق به گشودن بغداد نشدند و دوران او را دوران ترس و هراس از حمله مغولان می‌دانند.

بعد از وی نیز نوبت خلافت به مستعصم رسید. برخی وی را ستودند و برخی نیز در ذمّ وی مطالب زیادی نوشتند. به هر حال جملگی بر ناتوانی و بی‌کفایتی وی به لحاظ سیاسی و اداره قلمرو وسیع اسلامی اتفاق نظر دارند. سقوط شهر بغداد به عنوان ام‌القرای ممالک اسلامی و پایتخت حکومت مسلمانان به واسطه سیاست‌های نسنجیده او بود؛ چنان‌چه تمام قلمرو حکومتش به تصرف مغولان درآمد و فرمانروایی آن به هولاکو تعلق گرفت. نتیجه این واقعه انقراض حکومت پانصد و بیست ساله عباسیان بود که از آن به عنوان یکی از بزرگ‌ترین وقایع تاریخ ممالک اسلامی یاد می‌شود.

از آن پس قلمرو خلافت اسلامی ضمیمه قلمرو مغولان گردید و حکومت ایلخانان ایران شکل گرفت. بغداد از اهمیت افتاد و تمام شکوه و جلال گذشته خود را از دست داد و حکومت مغولان نیز در شهرهای مراغه، تبریز، سلطانیه و... مرکزیت یافت. عراق و توابع آن نیز به عنوان یکی از ممالک ایلخانان درآمد و حاکم آن توسط شاهان مغول تعیین می‌شد. در این دوران حکومت عراق نخست به شمس‌الدین محمد جوینی و پس از دو سال به برادرش علاء‌الدین عظاملک جوینی تعلق گرفت و تا سال ۶۸۳ که ارغون به قدرت رسید، ادامه یافت و از آن پس نیز قدرت خاندان جوینی برچیده شد و همه رجال این خاندان بر دست عمال ارغون از صحنه سیاست و قدرت حذف شدند.

۲. خاتمه جنگ‌های صلیبی

از دیگر وقایع مهم این عصر که ذکر آن لازم است جنگ‌های صلیبی بین مسلمانان و مسیحیان بود که در سال ۴۹۰ ه. ق. به بهانه رسیدن به ارض موعود توسط مسیحیان علیه مسلمانان آغاز شده بود و هدف آن تصرف بیت المقدس و آزادی‌اش از دست مسلمانان بود. مراحل پایانی این جنگ در این عصر ادامه داشت که نهایتاً در سال ۶۹۰ به پایان رسید. در حالی که مسیحیان علی‌رغم بهره‌مندی از علم و دانش مسلمانان، به هدف و خواسته خود که همانا تصرف بیت المقدس بود، نرسیدند.

۳. حمله مغولان به ایران و سایر ممالک اسلامی

این حمله در سال ۶۱۶ ه. به شهر اترار که جزء قلمرو خوارزمشاهیان بود، آغاز گردید و به تدریج به سایر نواحی گسترش یافت. مرگ چنگیز در سال ۶۲۴ هجری فرا رسید و پس از وی نیز جانشینان او سیاست او را ادامه دادند و قلمرو وی بین جانشینانش تقسیم شد. حکومت گیوگ خان (۶۳۹-۶۴۷ ه. ق.) به مدت سیزده سال ادامه یافت و با مرگ وی بار دیگر قلمرو مغولان دچار هرج و مرج شد و نزاع بین جانشینان چنگیز بالا گرفت. نهایتاً حکومت به منگوقاآن (۶۴۸-۶۵۷ ه. ق.) قرار گرفت. وی در اواخر حکومتش پس از تثبیت موقعیت، مجدداً سیاست حمله مغولان و تصرف ممالک پیرامونی از جمله ایران را در پیش گرفت و مرحله دوم حملات مغولان به ایران در سال ۶۵۴ هجری به فرماندهی هولاکو آغاز گردید. برخی نیز آغاز آن را حمله مغولان به متصرفات و قلل کوهستانی فرقه اسماعیلیه می‌دانند که در سال ۶۵۱ هجری آغاز شد و در سال ۶۵۴ هجری به نتیجه رسید و پس از انقراض سلسله اسماعیلیه، نوبت به عباسیان رسید که بدان اشاره شد.

با حمله مغولان به ممالک غربی ایران از جمله سوریه و مصر که با مقاومت مسلمانان همراه بود و مانع از پیروزی مغولان گردید، اولین شکست مغولان در سال ۶۶۲ هجری رقم خورد و ابهت‌شان درهم شکست. هولاکو پس از این شکست تصمیم به انتخاب

مراغه به عنوان پایتخت خود گرفت و یک سال بعد درگذشت.

در عصر هولاکو حکومت بغداد نخست به شمس‌الدین محمد جوینی و سپس به برادرش عظاملک جوینی سپرده شد. شمس‌الدین محمد نیز به مقام صدارت وی رسید و فرزندانش بهاء‌الدین محمد و شرف‌الدین هارون نیز به حکومت عراق عجم و مناطق موصل رسیدند.

پس از مرگ هولاکو، حکومت به آباقاخان انتقال یافت. آباقا پیرو دین مسیح بود. لذا نسبت به مسیحیان محبت نشان می‌داد. پاپ کلمان چهارم به آباقاخان برای سرکوبی مسلمانان و نابودی دین اسلام پیام همکاری و اتحاد فرستاد.

در زمان او پایتخت به تبریز انتقال یافت. همچنین لشکرکشی‌های وی به شام و مصر نیز ادامه یافت، ولی در همه لشکرکشی‌ها شکست خورد و توفیقی به دست نیاورد. در زمان حکومت وی، از سویی شاهد رشد و گسترش قیام‌های مردمی و از سوی دیگر بر وز اختلافات در میان اعضای خاندان چنگیز هستیم. پس از مرگ آباقاخان، حکومت به برادرش احمد تکودار رسید.

۳. نابودی فرقه اسماعیلیه

فرقه اسماعیلیه که حکومت آنها از سال ۴۸۳ ه. ق به وسیله حسین صباح، یکی از دبیران حکومت سلجوقی، برای تبلیغ عقاید خاص وی آغاز شده بود و نزدیک به دو قرن ادامه یافت، همواره به عنوان خطر و مدعی حکومت‌های معاصر خود، آزمون حکام و خلفا را بر هم می‌زد و به عنوان یک قدرت متخاصم نیرومند، عامل جنگ و خونریزی بین مسلمانان و رعب و وحشت در بین حکام و خلفای آن عصر بود.

اوج قدرت این سلسله از زمان تأسیس تا دهه شصت قرن ششم بود و از آن پس این فرقه نیز دچار رخوت و سستی شد. و نهایتاً در سال ۶۴۱ هجری با لشکرکشی هولاکو به قلمرو آنها، قلاع اسماعیلیه یکی پس از دیگری فتح گردید و حکومت آنان با فتح قلعه الموت در سال ۶۵۴ هجری خاتمه یافت.

۵. اسلام آوردن مغولان

با توجه به اقامت طولانی مغولان در ممالک اسلامی و ارتباطشان با مسلمانان، اندک اندک با تلاش فکری علمای بزرگ و وزرای کاردان و مسلمان ایرانی به دین اسلام گرویدند. به طوری که نسل‌های سوم و چهارمشان دین اسلام را پذیرفته و جزیی از حکمرانان ایرانی شده و مقبولیت عام یافتند و سپس خود مروج و مدافع دین اسلام شدند. این تحول عقیدتی در حکام مغول اندکی زمینه را برای آسایش و کاهش آزار مردم فراهم ساخت. آغاز این حرکت از زمان تکودار بود که وی با پذیرش اسلام، خود را احمد نامید. گرچه ارغون این حرکت را حدود ۱۰ سال به تعویق انداخت. مع الوصف در عصر غازان‌خان دین اسلام به عنوان دین رسمی اعلام و حکومت مرکزی پشتیبان آن گردید و طی فرمانی پذیرش آن را برای همه مغولان در قلمرو خود اجباری ساخت. این تحول برای ایرانیان نشانه فتوحی عظیم بود و با این حرکت، دین اسلام جانی تازه گرفت. از جهات دیگر نیز این تحول عقیدتی غازان‌خان اهمیت داشت، چرا که در عصر آباقا زمینه برای گسترش مسیحیت فراهم شده بود و در صورت ادامه آن سیاست، دین مسیحیت به شدت گسترش می‌یافت. نتیجه قطعی و نهایی اسلام آوردن غازان‌خان آن بود که حکومت ایلخانی آخرین ارتباط خود را با مغولان غیرمسلمان و مراکز حکومتی آنان گسیخت و این خود به منزله استقلال مجدد ایران بود.

۶. گسترش تشیع

از دیگر وقایع مهم این عصر که با وقایع مذکور از جمله انقراض خلافت عباسیان ارتباط داشت، گسترش و قدرت یافتن مذهب تشیع بود. مذهب اهل سنت که طی تمام دوران حکومت عباسیان از سوی خلفا مورد پشتیبانی قرار می‌گرفت، با سقوط خلافت عباسی پشوانه خود را از دست داد. و چون قدرت سیاسی از دست آنان خارج شده بود و در حکومت جدید عوامل و عناصر شیعی قدرت را در دست داشتند و به واسطه ارتباط ایرانیان با مغولان و گرایش عقیدتی مغولان به دین اسلام، علمای مسلمان شیعی نیز به

سوی آنان گرایش یافته و به همکاری با آنها پرداختند و نهایتاً آنان در جهت‌گیری سیاسی حکومت مؤثر بودند. لذا اهل سنت با از دست دادن پشتوانه قبلی و قدرت گرفتن فرق شیعه، بیشتر خطر را احساس کرده و به تدریج به مذهب تشیع متمایل شدند. تمایل اهل سنت به مذهب شیعه دلایل مختلفی داشت. این گرایش علاوه بر عامه مردم، در میان علما و طبقات فرهنگی نمایان‌تر بود. در بیشتر آثاری که در قرن هفتم تألیف شده‌اند، از ائمه شیعه و اهل بیت پیامبر با تجلیل و تکریم یاد شده است و آن تعصبات سخت دوران گذشته در آنها دیده نمی‌شود. بسیاری از علما درباره ائمه شیعه به تألیف پرداختند و در مدح آنان شعر سرودند و در میان شیعیان نیز از شیخین به زشتی یاد نمی‌شد.^۱

با توجه به زمینه تاریخی که اجمالاً بدان پرداختیم، ارموی در چنین برهه‌ای پا به عرصه وجود گذاشت. دوران کودکی‌اش را در آذربایجان و ارومیه گذراند. در نوجوانی وارد بغداد شد، در مستنصریه تحصیل کرد، با مستعصم همنشین شد و مغنی او بود. سقوط بغداد را به چشم خویش نظاره کرد. در محضر هولاکو حضور یافت و با نوای عودش او را به خواب برد و خود و جمعی را نجات داد. با درایت و هوشمندی مقامات و مناصب گذشته‌اش را به دست آورد. حدود ۳۰ سال در بغداد، مراغه، تبریز، اصفهان و دمشق همراه و ملازم رجال مقتدر جوینی بود و در نعمت و شادی با آنها شریک. با سقوط خاندان جوینی، اقتدار او نیز فرو ریخت و دوران خوش وی به سر آمد و با مرگ آنان، مرگ تدریجی وی هم فرا رسید. بنابراین، شناخت ارموی و درک موقعیت‌های وی مستلزم شناخت عصر او و ارتباطاتی است که وی با عناصر با نفوذ آن عصر به واسطه موقعیت‌های علمی و هنری خود برقرار کرده بود. از این‌رو، ضرورت دارد که برای شناخت ارموی، عصر او را بشناسیم و در فضایی که او نفس می‌کشید، قرار بگیریم و تأثیر عوامل مختلف مرتبط با او را در احوال و آثارش بیاییم.

۱. تلخیص از تاریخ مفصل ایران، عباس اقبال و تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح‌الله صفا.